

تفسیر قرآن و قانون اساسی؛ مشابهت‌های سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا

دکتر رضا پورمحمدی

استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشکده زن و خانواده

rezpmx@gmail.com

چکیده

این مقاله به مقایسه نظریات تفسیری در سنت فقه اسلامی و حقوق آمریکا پرداخته و توضیح می‌دهد که این دو نظام حقوقی کاملاً متفاوت و حتی گاهی متضاد، چگونه در تفسیر قوانین (قرآن کریم و قانون اساسی) رویکرد مشابهی اتخاذ کرده‌اند. این مقایسه را ذیل چهار بخش انجام داده‌ام: (۱) جایگاه معنای ظاهری الفاظ در سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا؛ (۲) ثابت یا متغیر بودن معنا؛ (۳) جایگاه هدف یا مقاصد الشریعة در تفسیر و (۴) در نظر گرفتن پیامدهای تفسیری توسط فقیه و حقوق‌دان. ادعای اصلی من در مقاله حاضر این است که سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا هرچند در فرهنگ‌های کاملاً متفاوتی پدید آمده‌اند اما با توجه به محوریت معنای عرفی و همچنین قدمت متنی که تفسیر می‌شود، چهارچوب نظری نسبتاً مشابهی دارند. امیدوارم این پژوهش ظرفیت و افق‌های جدیدی را برای مطالعات تطبیقی در اصول فقه بگشاید.

کلیدواژه: نص‌گرایی، معنای ظاهری، آخوند خراسانی، اسکالیا، قصدگرایی

مقدمه

در فقه اسلامی احکام خاص و ویژه‌ای برای صید با سلاح وجود دارد.^۱ برای مثال، از امام باقر علیه السلام نقل شده: «مَنْ جَرَحَ صَيْدًا بِسِلَاحٍ وَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ... فَلْيَأْكُلْ مِنْهُ».^۲ این احکام ناظر به صید با سلاح‌های متعارف در آن زمان یعنی شمشیر و تیرکمان بوده و در برخی روایات به این امر تصریح شده است.^۳ در تفسیر روایات مذکور یکی از پرسش‌هایی که برای فقیهان پیش آمده این است که آیا عبارت «مَنْ جَرَحَ صَيْدًا بِسِلَاحٍ» شامل گونه‌های مستحدثه سلاح مانند تفنگ نیز می‌شود یا خیر؟^۴ این مسئله ریشه در پرسشی بنیادی‌تر دارد و آن اینکه آیا اساساً اطلاقات و عمومات ذکر شده در آیات و روایات شامل موضوعات نوپدید می‌شوند یا خیر؟ در این رابطه نظریات متعددی از سوی فقیهان ارائه شده اما آنچه قابل تأمل است، استناد موافقین و مخالفین به رویه عقلاء در تفسیر کلمات قانون است.^۵ یعنی هم مخالفین و هم موافقین استدلال می‌کنند که نظریه پیشنهادی آنان موافق با رویه عقلای عالم در تفسیر عبارات روزمره و قوانین است. نظیر این مواجعه را در دیگر مباحث اصول فقه (به ویژه مباحث الفاظ) نیز مشاهده می‌کنیم.^۶ در چنین شرایطی برای راستی‌آزمایی این ادعاها باید به سراغ دیگر نظام‌های عقلانی - خصوصاً نظام‌هایی که تحت تأثیر سنت تفسیری اصول فقه نبوده‌اند - رفت و روش تفسیری آنان را بررسی کرد. اما آیا چنین مقایسه‌ای از اساس صحیح است؟ برای مثال، آیا از اساس هیچ ادبیات مشترکی میان سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا وجود دارد تا بتوان به مقایسه روش تفسیری آنان پرداخت؟ ممکن است ادعا شود که هر نوع مطالعه تطبیقی میان روش تفسیری فقه و حقوق آمریکا از اساس غلط و گمراه‌کننده است؛ زیرا مقایسه و تطبیق، فرع بر وجود یکسری اشتراکات است و میان این دو نظام هیچ

^۱ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۶۲/۲۳.

^۲ همان.

^۳ همان، ۳۶۲-۳۶۳.

^۴ سبزواری، کفایة الفقه، ۵۷۶/۲؛ طباطبائی کربلایی، ریاض المسائل، ۲۷۴/۱۳؛ نراقی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ۳۱۹/۱۵؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۱۵/۳۶.

^۵ ر.ک.: پورمحمدی و نوبهار، «استناد به عمومات در حل مسائل نوپدید؛ مطالعه تطبیقی فقه امامیه و حقوق آمریکا»، ۶۵ تا ۹۴.

^۶ برای مشاهده نمونه‌ها ر.ک.: محقق داماد، حسینی نسب و پورمحمدی، اصول فقه تحلیلی، ۱۳۴/۱، ۱۷۵.

اشتراکی نیست.^۷ ادعای مقاله حاضر این است که به میزان تفاوت‌های موجود میان فقه و حقوق آمریکا، شباهت نیز وجود دارد. برای مثال، یکی از بحث‌های مفصل در حقوق آمریکا این است که آیا عموماً ذکر شده در قوانین قدیمی شامل موضوعات نوپدید نیز می‌شود؟ لان فولر، حقوق‌دان برجسته آمریکایی، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا عموماً ممنوعیت حمل «سلاح خطرناک» شامل خودکاری که اشعه کشنده پرتاب می‌کند نیز می‌شود؟^۸ پاسخ و استدلالی که او ارائه می‌کند بسیار مشابه با پاسخ محقق سبزواری در شمول واژه «سلاح» نسبت به تفنگ است.^۹

در این مقاله قصد ندارم تا به مقایسه قواعد تفسیری در این دو نظام حقوقی بپردازم. در این رابطه می‌توانید به دیگر تألیفات نگارنده مراجعه کنید.^{۱۰} دغدغه اصلی من در این جا پاسخ به این پرسش است که چه شباهت‌هایی میان سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، به مقایسه اصول حاکم بر تفسیر قرآن کریم (مهم‌ترین متن نزد فقیهان امامیه) و قانون اساسی ایالات متحده (مهم‌ترین متن نزد حقوق‌دانان آمریکایی) پرداخته‌ام. علت چنین انتخابی این است که مکاتب تفسیری هم در سنت تفسیری اسلام و هم آمریکا حول این دو متن پدید آمده‌اند. از سوی دیگر، بسیاری از قرآن کریم با عنوان «قانون اساسی اسلام» یاد کرده‌اند.^{۱۱} از این رو شاید بتوان مدعی شد که این مقاله به مقایسه روش‌هایی تفسیری دو قانون اساسی می‌پردازد. با این انگیزه، مقاله حاضر ذیل پنج بخش سامان یافته است: در بخش اول مروری مختصر بر مکاتب تفسیری در حقوق آمریکا خواهم داشت؛ سپس در قالب چهار بخش به مقایسه محوری‌ترین مباحث تفسیری در سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا می‌پردازم. این محورها عبارت‌اند از: جایگاه معنای ظاهری در تفسیر (بخش دوم)؛ ثبات یا متغیر بودن معنا (بخش سوم)؛ هدف‌گرایی در تفسیر (بخش چهارم) و در نظر گرفتن پیامدها و نتایج تفسیر

^۷ برای مطالعه بیشتر در این رابطه ر.ک.: پورمحمدی، «اصول حاکم بر پژوهش‌های تطبیقی در حقوق»، ۷۱ تا ۹۷.

^۸ See Fuller, *American Legal Realism*, 429, 445-46.

^۹ سبزواری، *کفایة الفقه*، ۵۷۶/۲.

^{۱۰} ر.ک.: محقق داماد، حسینی نسب و پورمحمدی، *اصول فقه تحلیلی*، دفتر اول: تفسیر فقهی.

^{۱۱} آملی، *المعالم المأثورة*، ۵۵/۳؛ مکارم شیرازی، *انوار الاصول*، ۱۵۰/۲، ۳۱۶؛ زحیلی، *التفسیر الوسیط*، ۷۸۰/۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۱/۱، ۳۹۳/۱۰، ۲۲/۱۱؛ معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ۲۰/۱. مشخصاً تحت تاثیر این باور است که برخی کشورهای اسلامی مانند عربستان از تدوین قانون اساسی مستقل خودداری کرده‌اند.

(بخش پنجم). این محورها را بدان جهت انتخاب کرده‌ام که هر یک از آنها تأثیر مهمی در شکل‌دهی مکاتب تفسیری دارد.

۱. درآمدی بر ساختارهای تفسیر قانون اساسی در حقوق آمریکا

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۹ میلادی به تصویب رسید. این قانون یکی از قدیمی‌ترین قانون‌های اساسی موجود در جهان است که با گذشت بیش از دو قرن، هنوز به قوت خود باقیست. قانون اساسی آمریکا تا کنون هیچ تغییری نکرده و صرفاً اصلاحیه‌ها و متمم‌هایی به آن افزوده شده است.^{۱۲} قدمت و جایگاه ویژه این قانون در آمریکا موجب شده است تا روش‌های تفسیر آن اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. برای تقریب به ذهن، همان‌طور که در اسلام مکاتب و ادبیات تفسیری حول تفسیر قرآن کریم شکل گرفت، در حقوق آمریکا نیز ادبیات تفسیری با محوریت تفسیر قانون اساسی پدید آمد.

به صورت کلی، در حقوق آمریکا چهار مکتب تفسیری بیشترین طرفداران را دارد: نص‌گرایی، هدف-گرایی، قصدگرایی و عملگرایی.^{۱۳} نص‌گرایان در تفسیر به معنای ظاهری عبارات قانون اهمیت داده و سعی می‌کنند از دخالت‌دادن هر امر برون‌متنی (قرائن غیرلفظی) خودداری نمایند.^{۱۴} قصدگرایان و هدف‌گرایان همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست؛ به ترتیب، محوریت تفسیر را به قصد و هدف قانون‌گذار می‌دهند؛^{۱۵} از این‌رو اگر معنای ظاهری مخالف با قصد و هدف باشد، آن را تأویل برده و معنایی موافق با قصد و هدف را می‌پذیرند.^{۱۶} عمل‌گرایان نیز در تفسیر سعی می‌کنند تا کارآمدترین تفسیر را ارائه کنند،

¹² See Kammen, *The Origins of the American Constitution*, Lutz, *The Origins of American Constitutionalism*, Fruchtmann, *American Constitutional History*.

¹³ برای مطالعه تفصیلی درباره نظریات تفسیری در حقوق آمریکا ر.ک.: پورمحمدی، درآمدی بر تفسیر حقوقی.

¹⁴ See Scalia and Garner, *Reading Law*, 86; Beccaria, *An Essay on Crimes and Punishments*, Greenough and Kittredge, *Words and Their Ways in English Speech*, 324-25.

¹⁵ See Cross, *The Theory and Practice of Statutory Interpretation*, 59-60; Barak, *Purposive Interpretation in Law*, 89; Manning and Stephenson, *Legislation and Regulation, Cases and Materials*, 22.

¹⁶ Gorsuch, "2016 Sumner Canary Memorial Lecture," 137.

هرچند مطابق با قصد یا هدف قانون‌گذار نبوده باشد.^{۱۷} اکنون با در نظر گرفتن این مقدمه به مقایسه سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا خواهیم پرداخت.

۲. معنای ظاهری عبارات

معنای ظاهری در واقع معنایی است که مخاطب - به عنوان یکی از افراد عرف - از ظاهر کلام گوینده می‌فهمد.^{۱۸} برای مثال، عرف از شنیدن واژه «سیب» به معنای میوه‌ای مشخص منتقل می‌شود. آن معنا را به اصطلاح «معنای ظاهری» یا «معنای عرفی» گویند که هم در سنت تفسیری فقه امامیه و هم حقوق آمریکا به عنوان بنیادی‌ترین مفهوم تفسیری قلمداد می‌شود.

۱.۲ معنای ظاهری در سنت فقه امامیه

این ادعا گزاره نیست اگر گفته شود همه مباحث الفاظ اصول فقه امامیه در واقع تلاشی است برای شناخت معنای ظاهری آیات و روایات. محقق خوبی در تعریف «معنای ظاهری» می‌گوید: «منظور از معنای ظاهری، آن معنایی است که اهل عرف از کلام می‌فهمد».^{۱۹} غالب فقیهان امامیه باور دارند که قرآن کریم (یا حداقل آیات الاحکام) به زبان عرفی و قابل فهم نازل شده است. زیرا هدف آن تنظیم روابط حقوقی و عبادی مکلفان است، پس باید به اندازه‌ای به عرف و زبان روزمره مخاطبان خود نزدیک باشد که آن را بفهمند. از این رو، یکی از پیش فرض‌های مسلم در تفسیر قرآن کریم نیز همین است که این متن مقدس از زبان عرفی پیروی نموده است و در تفسیر آن نیز باید فهم عرفی و معنای ظاهری را محور قرار داد.^{۲۰} این رویه در تفاسیر ائمه علیهم السلام از آیات الاحکام نیز دیده می‌شود که بر اساس معنای ظاهری به استنباط احکام پرداخته‌اند.^{۲۱}

^{۱۷} See Posner, *The Problems of Jurisprudence*, 26; Posner, *How Judges Think*, 7-8; Posner, "What Has Pragmatism to Offer Law?," 1664; Luban, "What's Pragmatic about Legal Pragmatism?"; Posner, "The Rise and Fall of Judicial Self-Restraint," 539.

^{۱۸} حلی، *نهایة الوصول الی علم الأصول*، ۴۰۵/۲؛ صدر، *بحوث فی علم الأصول*، ۳۷۷/۹؛ خوبی، *مصباح الأصول*، ۲۸۱/۱.
^{۱۹} خوبی، *مصباح الأصول*، ۲۸۱/۱ (المراد من الظهور هو الذي يفهمه أهل العرف من اللفظ).

^{۲۰} محقق داماد، *حسینی نسب و پورمحمدی، اصول فقه تحلیلی*، ۱۳۴/۱، ۱۷۵.

^{۲۱} برای مطالعه در رابطه با شواهد این ادعا ر.ک.: صدر، *اصول وقواعد استنباط ائمه از قرآن*، ۳۳۱ تا ۳۷۲، ۳۹۹ تا ۴۰۱.

البته برخی فقیهان امامیه با تفسیر بر اساس معنای ظاهری مخالف‌اند. پیروان این نظریه که عموماً با عنوان «اخباری» شناخته می‌شوند، صرفاً تفسیر بر اساس معنای صریح را اجازه داده و تفسیر بر اساس معنای ظاهری را روا نمی‌دانند.^{۲۲} برای مثال، مرحوم شیخ حر عاملی (۱۱۰۴ق) نیز بابتی در *وسائل الشیعة* گشوده و چنین ابراز می‌دارد: «استنباط احکام نظری از ظواهر قرآن روا نیست، مگر بعد از شناخت آن‌ها از امامان معصوم علیهم السلام».^{۲۳}

به هر روی، جریان اصلی در سنت فقه امامیه بر اساس معنای ظاهری به تفسیر آیات قرآن کریم می‌پردازد. البته ناگفته نماند که در این سنت معنای ظاهری اصالت نداشته و صرفاً از باب کاشفیت از قصد شارع معتبر است. شهید صدر در این رابطه می‌گوید: «هیچ شک و شبهه‌ای نزد همه [اصولیان و فقیهان] وجود ندارد که منظور از *اصالة الظهور* همانا رسیدن و کشف مراد جدی و مقصود متکلم است».^{۲۴} یعنی معنای ظاهری «سنگ نشان است که ره گم نشود». از این رو، اگر فقیه به طریقی مانند شهرت فتوایی یا اجماع کشف نماید که مقصود شارع چیز دیگری است، متن را موافق با قصد -هرچند خلاف ظاهر- تفسیر می‌نماید یا آن را به صورت کلی کنار می‌گذارد. این در حالی است که نص‌گرایان آمریکایی، همان‌طور که به زودی اشاره خواهیم کرد، برای معنای ظاهری -بما هو معنای ظاهری- ارزش و اعتبار قائل‌اند.

^{۲۲} استرآبادی، *الفوائد المدنیة و بذیله الشواهد المکیة*، ۲۷۰؛ حر عاملی، *الفصول المهمة فی أصول الأئمة علیهم السلام*، ۵۳۶/۱؛ حر عاملی، *الفوائد الطوسیة*، ۱۸۶، ۴۷۵؛ حر عاملی، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ۱۷۶/۲۷.
^{۲۳} ر.ک: حر عاملی، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ۱۷۶/۲۷؛ مجلسی، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ص)*، ۵۲۱/۱۲ تا ۵۲۲.

^{۲۴} صدر، *بحوث فی علم الأصول*، ۲۶۶/۴-۷ (لا إشکال عند الجميع فی ان المقصود من أصالة الظهور انما هو التوصل إلى إثبات المراد الجدی للمتکلم). همچنین آخوند خراسانی در این رابطه می‌فرماید: «لا شبهة فی لزوم اتباع ظاهر کلام الشارع فی تعیین مراده فی الجملة لاستقرار طريقة العقلاء علی اتباع الظهورات فی تعیین المرادات» (خراسانی، *کفایة الاصول*، ۲۸۱)؛ خوبی: «تفسیر ایضاح و آشکار ساختن مراد جدی خداوند متعال از کتاب عزیزش می‌باشد» (خوئی، *البیان فی تفسیر القرآن*، ۳۹۷). موسوی خمینی، «معنی تفسیر کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد» (خمینی، *آداب الصلاة*، ۱۹۲). «کشف مراد خدای تبارک و تعالی از الفاظ کتاب عزیز و قرآن مجیدش مانند کشف مراد دیگر گویندگان بشری از طریق کتب آنان است که برای بیان مقاصد و مرادهای خود وضع کرده‌اند» (فاضل موحدی لنگرانی، *مدخل التفسیر*، ۱۸۴-۵).

۲/۲. معنای ظاهری در حقوق آمریکا

در سنت تفسیری حقوق آمریکا سه معادل برای معنای ظاهری وجود دارد: «معنای عرفی»^{۲۵}، «معنای ساده»^{۲۶} و «معنای عمومی»^{۲۷}. قاضی هلمز (۱۹۳۵م) در تعریف معنای ظاهری می‌نویسد: «معنایی است که کلمات در دهان یک گوینده عادی انگلیسی زبان افاده می‌کنند».^{۲۹} معنایی ظاهری کلمات برای همه مکاتب تفسیری در حقوق آمریکا مهم است؛ اما در میان آن‌ها، «نص‌گرایان» بیشترین تأکید را بر معنای ظاهری عبارات قانون اساسی دارند.^{۳۰}

طرف‌داران نص‌گرایی در تفسیر عبارات قانون اساسی صرفاً خود را وفادار به معنای ظاهری عبارات دانسته و از دخالت دادن هر امر برون‌متنی (مانند قیاس، علت غیرمنصوص، مشروح مذاکرات، اموری مانند مقاصد الشریعة) اکیداً خودداری می‌کنند.^{۳۱} قاضی اسکالیا، از رهبران نص‌گرایی، «قاعده تفسیر بر اساس معنای ظاهری»^{۳۲} را به‌عنوان بنیادی‌ترین قاعده معناساختی در تفسیر حقوقی معرفی می‌کند.^{۳۳} او در شرح این قاعده می‌نویسد: «کلمات قانون باید بر اساس معنای عرفی و روزمره خود تفسیر شوند، مگر اینکه سیاق لفظی نشان دهد که معنای خاص دیگری می‌دهند».^{۳۴} قاضی مارشال، چهارمین رئیس دادگستری ایالات متحده در سال‌های ۱۸۰۱ الی ۱۸۳۵ میلادی نیز در این باره می‌نویسد: «کلمات و

²⁵ ordinary meaning

²⁶ plain meaning

²⁷ public meaning

²⁸ Tobia, "Testing Ordinary Meaning," 736.

البته تفاوت‌های جزئی میان این عبارات وجود دارد اما با اندکی مسامحه همه در معنای ظاهری به کار می‌روند. برای مطالعه در رابطه با تفاوت‌ها ر.ک.:

Slocum, *Ordinary Meaning*, 23-25.

²⁹ Holmes, "The Theory of Legal Interpretation," 419-20.

³⁰ See, e.g., Brest, "The Misconceived Quest for the Original Understanding," 237; Bobbitt, *Constitutional Fate*, 25, 26; Scalia, *A Matter of Interpretation, New Edition*, 23; Noonan, *Narrowing the Nation's Power*, 9.

³¹ برای مطالعه بیشتر در این رابطه ر.ک.: پورمحمدی، *درآمدی بر تفسیر حقوقی*، ص ۴۴-۵۰.

³² Ordinary-Meaning Canon

³³ Scalia and Garner, *Reading Law*, 79.

³⁴ Scalia and Garner, 79.

عبارات قانون اساسی باید با این پیش فرض فهم و درک شوند که کلمات در معنای عرفی خود به کار رفته‌اند.^{۳۵} نمونه یک تفسیر بر اساس معنای ظاهری را می‌توانید در مثال ذیل ملاحظه کنید:

قسمت اول از متمم چهاردهم قانون اساسی آمریکا مقرر می‌دارد: «همه افراد (All persons) از حقوق مساوی برخوردارند». در تفسیر قانون مذکور برخی گفته‌اند هرچند عبارت «همه افراد» عام است ولی این قانون با قصد ایجاد برابری میان سیاه‌پوستان و سفیدپوستان وضع شده؛ لذا باید معنای آن را صرفاً محدود به برابری حقوق سیاه‌پوستان و سفیدپوستان دانست.^{۳۶} از این رو نمی‌توان از آن برای برابری میان مردان و زنان یا برابری ادیان بهره برد. اما قضات نص‌گرا که صرفاً به معنای ظاهری اهمیت داده و کاری به قرائن غیرلفظی ندارند، تفسیر مذکور را نمی‌پذیرند؛ زیرا عبارت «همه افراد» ظهور در عمومیت دارد، در نتیجه تبعیض میان هر فرد و گروهی را شامل شود.

با توجه به محوریت معنای ظاهری در مکتب نص‌گرایی، طرفداران این مکتب دست به تألیفات متعددی در زمینه قواعد تفسیری و روش‌های کشف معنای ظاهری زده‌اند.^{۳۷} قاضی اسکالیا، از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان نص‌گرایی، کتابی مفصلی در باب قواعد تفسیری تألیف نموده که مباحث و استدلال‌های آن شباهت زیادی به مباحث الفاظ اصولیان دارد.^{۳۸} برای نمونه به سه بحث ذیل اشاره می‌کنم:

۱. قاعده معنای ثابت^{۳۹} (بحث‌های حقیقه شرعیه، ظهور حین الصدور و ظهور حین الوصول، اصالة عدم نقل معنا و...).

۲. قاعده اصالة العموم^{۴۰} و حمل عام بر خاص^{۴۱} (بحث‌هایی نظیر چیستی عموم، الفاظ عموم، علل تقدّم خاص بر عام، مخصّص نبودن مورد عموم، حمل الفاظ عام بر موضوعات نوپدید و...)

³⁵ Chief Justice John Marshall, *Gibbons v. Ogden*, 22 U.S. (9 Wheat.) 1, 71 (1824).

³⁶ Cf. *Sugarman v. Dougall*, 413 U.S. 634, 649-50 (1973); See also Farnsworth, "Women Under Reconstruction."

³⁷ See Scalia and Garner, *Reading Law*; Jellum, *Mastering Statutory Interpretation*.

³⁸ Scalia and Garner, *Reading Law*.

³⁹ Scalia and Garner, 86 "Fixed-Meaning Canon."

⁴⁰ Scalia and Garner, 103 "General-Terms Canon."

⁴¹ Scalia and Garner, 172 "General/Specific Canon."

۳. قاعده معنای مخالف^{۴۲} (چیستی مفهوم مخالف، علل تقدّم مفهوم مخالف بر منطوق، انواع مفهوم مخالف و...) .

۳. فهم اصالت‌گرایانه

در یک تقسیم کلی می‌توان نظریات تفسیری را به نظریات اصالت‌گرا^{۴۳} و غیراصالت‌گرا^{۴۴} تقسیم نمود. با اندکی مسامحه، اصالت‌گرایان باور دارند که معنای عبارات قانون ثابت است و مفسّر باید معنایی را به عبارات قانون بدهد که اصالتاً واجد آن معنا بوده. در نتیجه، تغییر و تحولات اجتماعی هیچ تأثیری بر معنای قانون نخواهد داشت. در این بخش از مقاله قصد دارم تا اصالت‌گرایی در سنت فقه و حقوق آمریکا را مورد بررسی قرار دهم.

۳/۱. فهم اصالت‌گرایانه در سنت فقه امامیه

هماره جریان غالب در تفسیر فقهی بر این بوده است که مفسّر باید ظهور متن در هنگام صدور و یا به تعبیر اصولیان «الظهور حين الصدور» را به دست آورد.^{۴۵} شهید صدر در بحوث این پرسش را مطرح می‌کند: «کدام یک از دو ظهور حجت است: ظهوری که در عصر صدور نص پدید می‌آید یا ظهور پدید آمده در عصر فهم نص؟»^{۴۶} سپس پاسخ می‌دهد:

«همانا آن چه [در تفسیر متن] معتبر است ظهور پدید آمده در عصر صدور نص می‌باشد؛

⁴² Scalia and Garner, 108 "Negative-Implication Canon."

⁴³ Originalism

⁴⁴ Non-originalism

⁴⁵ این که مفسّر وظیفه دارد تا ظهور متن در هنگام صدور را به دست آورد، به قدری برای اصولیان مسلم بوده است که مستقلاً بدان نپرداخته‌اند اما وجود این پیش‌فرض در همه مباحث اصولی کاملاً قابل ردیابی است بلکه اساساً برخی از مباحث الفاظ مانند مبحث حقیقة شرعی، صحیح و اعم و مشتق صرفاً با انگیزه کشف ظهور متن در هنگام صدور آن تدوین یافته‌اند. برای نمونه ر.ک: شهید اول، تمهید القواعد، ۱۲؛ ابن شهید ثانی، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ۳۵-۳۴؛ قمی، القوانين المحكمة فی الأصول، ۹۴/۱، ۱۷۲، ۳۰۹، ۴۲۵-۴۲۶؛ اصفهانی، الفصول الغروية فی الأصول الفقهية، ۱۷، ۳۲، ۴۴، ۵۲، انصاری، مطارح الأنظار، ۲۹/۱، ۷۴، ۷۵، ۲۴۸، ۶۱۳، ۶۹۷؛ خراسانی، کفایة الأصول، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۳۶، ۳۸، ۱۹۴، ۲۰۶، ۲۰۷؛ کرباسی، إشارات الأصول، ص ۳۱؛ مظفر، أصول الفقه، ۳۰/۱؛ تقوی اشتهاردی، تنقیح الأصول، ۸۸/۱؛ خمینی، تهذیب الأصول، ۸۵/۱.

⁴⁶ صدر، بحوث فی علم الأصول ۳۷۹/۹.

زیرا طبق مکتب ما، حجیت ظاهر - چنان که اشاره کردیم - امری تعبّدی نیست؛ بلکه یک اصل عقلانی مبتنی بر قضاوت در مورد وضعیت ظاهری گوینده است و ظاهر حال او بر پیروی از روشهای عرف و زبان در مقام فهماندن و فهمیدن استقرار یافته است. این ظاهر حال همان سرّی است که مبنای اصالة الظهور قرار می‌گیرد.^{۴۷}

طراحی و ارائه بسیاری از قواعد تفسیری و ضمیمه کردن آن به «اصالة عدم نقل» نیز مبتنی بر همین پیش فرض است که رسالت مفسّر کشف ظهور متن در هنگام صدور آن متن است.^{۴۸} از این رو، یکی از هنرهای فقیه این است که با مطالعه متون مرتبط با عصر تشریح، چنان انسی با آن دوران پیدا کند که گویی در آن عصر می‌زید. این توانایی به فقیه کمک می‌کند تا آیات و روایات را همان گونه که مشافهین می - فهمیده‌اند، درک نماید. حتی برخی این توانایی را شرط ضروری برای افتاء دانسته‌اند. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «فقیه باید با روایات آن چنان انسی پیدا کند که بر کیفیت گفتگوی عرفی در عصر تشریح و کیفیت استدلال کردن بر احکام تسلط یابد...».^{۴۹}

فارغ از اینکه در سنت فقه امامیه معنای الفاظ قرآن ثابت است و مفسّر وظیفه دارد تا معنای حین الصدور را کشف نماید؛ برخی اصولیان پا را فراتر گذاشته و گفته‌اند: اساساً ظهوری که برای غیر مشافهین شکل می‌گیرد قابل اعتماد نیست؛^{۵۰} بلکه برخی این دیدگاه را مقتضای مذهب امامیه دانسته‌اند.^{۵۱} میرزای

^{۴۷} صدر، بحوث فی علم الأصول ۳۷۹/۹ (و الجواب الصحیح هو أن موضوع الحجية هو الظهور في عصر صدور النص، و النکته في ذلك وفقاً لمنهجنا هي أن أصالة الظهور على ما ذكرنا ليست أصلاً تعبدية، وإنما هي أصل عقلائی مبني على تحکيم ظاهر حال المتکلم؛ إذ إن ظاهر حاله هو الجري على أساليب العرف و اللغة في مقام التفهيم و التفهم، و هذا الظهور الحالي هو النکته النوعية التي تبرر جعل أصالة الظهور).

^{۴۸} عراقی، تقریرات الأصول، ۱۱۷ تا ۱۱۸؛ مدرسی یزدی، نماذج الأصول فی شرح مقالات الأصول، ۲۶۲/۱.

^{۴۹} خمینی، تهذیب الأصول، ۱۴۲/۳.

^{۵۰} بهبهانی، حاشیة مجمع الفائدة و البرهان، ۵۳۸ (لأن الخطاب مختص بالحاضرين - على ما هو الحق و المحقق)؛ عاملی، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، ۲۱۴/۱۲ تا ۲۱۵ (إن خطابات القرآن الشريف مختصة بالمشافهين و لا يتعدى إلى الغائبين إلا بدليل و هو في الغالب الإجماع)؛ طباطبائی، ریاض المسائل، ۱۶۳/۸ تا ۱۶۴ (بناءً على المختار الذي عليه علماءنا الأبرار من اختصاص مثل الخطاب بالمشافهين، و أنّ التعدية منهم إلى الغائبين تحتاج إلى دليل مبین، و هو في الأغلب الإجماع).

^{۵۱} نجفی، جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، ۱۶/۴۱ (بناءً على المعلوم من مذهب الإمامية من اختصاص الخطاب بالمشافهين دون غيرهم) و نیز ر.ک: قمی، القوانين المحكمة فی الأصول، ۲۲۴/۲، ۵۲۸. برای ملاحظه ثمرات فقهی این نظریه ر.ک: نراقی، مستند الشريعة فی أحكام الشريعة، ۳۷۰/۴، ۱۲۴/۱۰، ۱۶۳/۱۴، ۱۵۷، ۴۸/۱۸.

قمی (۱۲۳۱ق) از طرفداران جدی این نظریه است.^{۵۲} بر این اساس، معنایی که امروزه از آیات برای ما شکل می‌گیرد؛ با توجه به فاصله گرفتن از عصر صدور، قابل اعتماد نبوده و با فهم اصیل فاصله دارد. البته ممکن است از باب دکترین انسداد یا روش‌های دیگری از معنای ظاهری آیات بهره ببریم. در هر صورت، مشهور اصولیان با نظریه میرزای قمی موافق نیستند.^{۵۳}

۲/۳. فهم اصالت‌گرایانه در حقوق آمریکا

نص‌گرایان و قصد‌گرایان آمریکایی باور دارند که معنای عبارات قانون اساسی ثابت بوده و تغییر اوضاع و احوال اجتماعی تأثیری بر آن ندارد.^{۵۴} اگر کلمه‌ای در سال ۱۷۸۹ میلادی بر معنای مشخصی دلالت داشته، امروزه هرچند بسیاری از مناسبات اجتماعی تغییر کرده‌اند، قاضی باید تلاش کند تا همان معنای اصلی^{۵۵} را به دست آورد. حتی نص‌گرایان قاعده‌ای دارند با عنوان «قاعده معنای ثابت»^{۵۶} که بر اساس آن معنای الفاظ قانون ثابت بوده و با گذر زمان تغییری نخواهد کرد.^{۵۷} دنیل وبستر، حقوق‌دانان شهیر قرن نوزدهم در این باره می‌نویسد: «ما باید معنای قانون را آن‌چنان فهم کنیم که پدران و اجداد ما فهم می‌کرده‌اند، چرا که معنای قانون ثابت است و تغییری نخواهد کرد».^{۵۸}

^{۵۲} ر.ک: قمی، *القوانین المحكمة فی الأصول*، ۲۳۹/۴.

^{۵۳} برای مطالعه در رابطه با نظریات ر.ک.: محقق داماد و حسینی نسب و پورمحمدی، *اصول فقه تحلیلی*، ۱۶۹/۱ تا ۱۷۴.

^{۵۴} See Thibaut, *An Introduction to the Study of Jurisprudence*, 45; Cooley, *A Treatise on the Constitutional Limitations Which Rest upon the Legislative Power of the States of the American Union*, 59; Dickerson, "Statutes and Constitutions in an Age of Common Law"; Easterbrook, "The Role of Original Intent in Statutory Construction," 59.

^{۵۵} Original Meaning

^{۵۶} Fixed-Meaning Canon

^{۵۷} Scalia and Garner, *Reading Law*, 86; See also Greenough and Kittredge, *Words and Their Ways in English Speech*, 234-61; Barber, *Linguistic Change in Present-Day English*, 85.

^{۵۸} Webster, *The Works of Daniel Webster ...*, 164.

در مقابل، طرفداران نظریه تفسیر پویا^{۵۹} یا نظریات به‌روز رسانی در تفسیر^{۶۰} و همچنین عمل‌گرایان^{۶۱} باور دارند که معنای قانون ثابت نبوده و با گذر زمان تغییر می‌کند.^{۶۲} برای مثال یک حقوق‌دانان آمریکایی در این باره می‌نویسد: «معنای واژگانی که توسط قانون‌گذار در متن قانون استفاده شده‌اند... با گذر زمان تغییر خواهند کرد و گاهی این تغییر به قدری است که فهم معنای اولیه قانون برای دادگاه‌ها دشوار خواهد بود... با توجه به اینکه معنای واژگان به‌کاررفته در قانون تغییر می‌کند، احکام و قوانین مستفاد از این واژگان نیز تغییر خواهند کرد، هرچند که ممکن است در زمان صدور، معنای این واژگان کاملاً روشن و صریح بوده باشد».^{۶۳} برخی دیگر نیز باور دارند: «معنای متن قانون دائماً در حال رشد است و مفسر باید متناسب با روح قانون به تفسیر متون قانونی بپردازد».^{۶۴}

۴. هدف قانون و مقاصد الشریعة

تفسیر بر اساس مقاصد و اهداف کلان قانون همواره مورد توجه فقیهان امامیه و حقوق‌دانان آمریکایی بوده است؛ جز آنکه میان این دو نظام حقوقی نسبت به روش‌های کشف مقاصد اختلاف نظر وجود دارد. در ادامه به مقوله هدف‌گرایی در سنت فقه امامیه و حقوق آمریکا خواهیم پرداخت.

۱/۴. هدف و مقاصد شریعت در سنت فقه امامیه

در سنت فقه امامیه بحث از مقاصد شریعة و اهداف کلان شارع - آن‌طور که مد نظر فقیهان اهل سنت یا حقوق‌دانان آمریکایی است - چندان مورد توجه نبوده است. زیرا از یک‌سو، به باور برخی مقاصد و اهداف شارع امری مخفی و دور از دسترس عقل بشر است؛^{۶۵} و از سوی دیگر، همواره خوف از گرفتاری

⁵⁹ dynamic interpolation

⁶⁰ Updating Statutory Interpretation

⁶¹ pragmatic interpretation

⁶² See Aleinikoff, "Updating Statutory Interpretation."

⁶³ Witherspoon, "Administrative Discretion to Determine Statutory Meaning," 63.

⁶⁴ Cabot, *The Meaning of Right and Wrong by Cabot, Richard C.*

⁶⁵ خونی، موسوعة الامام الخونی، ۴۱۶/۲۰

در قیاس موجب شده تا فقیهان سراغ هدف‌گرایی نروند.^{۶۶} با این وجود از جانب برخی فقیهان تلاش‌هایی برای تبیین نقش مقاصد الشریعة و در عین حال مراقبت از گرفتار نشدن در دام قیاس ملاحظه می‌شود.^{۶۷}

آن‌چه گفتیم ناظر به هدف‌گرایی در سطح کلان بود، اما هدف‌گرایی در سطح غیرکلان امری پذیرفته‌شده و رایج در سنت فقه امامیه است.^{۶۸} از این نوع هدف‌گرایی، بسته به کیفیت شناسایی و تعمیم حکم، با عنوان‌هایی نظیر تنقیح مناط، الغاء خصوصیت، قیاس منصوص العلة یاد می‌شود. وجه مشترک موارد مذکور، مستندبودن آن‌ها به کتاب و سنت است.^{۶۹} البته ضرورتی ندارد که در یک آیه یا روایت به صورت مشخص به آن هدف تصریح شده باشد، بلکه اگر از مجموع ادله برای فقیه اطمینان نسبی به وجود آن هدف نزد شارع حاصل گردد نیز کفایت می‌کند. برای مثال، از حضرت رسول اکرم [نقل شده است: «لَا تَدْعُ صُورَةً؛ تصویرگری [از جمله مجسمه‌سازی] مکن»]. برخی فقیهان با بررسی سایر روایات به این اطمینان رسیده‌اند که هدف شارع از چنین حکمی، از بین بردن آثار کفر و شرک بوده است. زیرا در آن دوران عده‌ای مقابل مجسمه‌ها خضوع و عبادت می‌کرده‌اند. بر این اساس، در تفسیر روایت مذکور گفته‌اند که اگر مجسمه‌سازی برای عبادت و پرستش نیست، اشکالی ندارد. امام خمینی در این باره می‌نویسد: ظاهر این است که مراد این روایات خصوصاً تصویرگری تماشایی است که مردم نسبت به آن‌ها عکوف داشته‌اند.^{۷۰} این نوع هدف‌گرایی مستند به دلیل شرعی بوده و نزد فقیهان امامیه پذیرفته شده است.

^{۶۶} کلینی، الکافی، ۵۴/۱.

^{۶۷} شهید اول، القواعد والقواعد، ۱۳۸/۲، ۶۰ تا ۶۴، ۱۴۱/۱ تا ۱۴۴؛ حلی، معارج الاصول، ۱۶۳؛ فاضل مقداد، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۱۴/۱؛ صدر، اقتصادنا، ۲۸۸

مغنیه، فقه الامام الصادق (ع)، ۶۷/۳

^{۶۸} سبحانی، اصول الفقه المقارن، ۳۶۲؛ حلی، معارج الاصول، ۱۶۴؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۶۴/۳، ۲۴۸/۸.

^{۶۹} البته از حیث نظری مستند شرعی منحصر به کتاب و سنت نیست بلکه گاهی مقاصد را به کمک عقل می‌شناسیم (مکارم شیرازی، انوار الاصول، ۴۹۳/۲)، البته در عمل غالباً مستند صرفاً همان کتاب و سنت است.

^{۷۰} ر.ک.: خمینی، مکاسب المحرمه، ۲۵۸/۱. برای نظر مخالف ر.ک.: حسینی مراغی، العناوین الفقهیه، ۱۸۵/۱.

۲/۴. هدف و روح قانون در حقوق آمریکا

نظریه مقاصد الشریعه در حقوق آمریکا با عنوان‌های «هدف قانون»^{۷۱} یا «روح قانون»^{۷۲} شناخته می‌شود. اما در میان مکاتب تفسیری، نص‌گرایان در برخورد با اهداف قانون‌گذار، مواجهه‌ای نظیر فقیهان امامیه دارند: یعنی اگر برای هدف مستند قانونی (یعنی نص قانونی) در میان باشد، هدف‌گرایی را می‌پذیرند و در غیر این صورت بسیار با آن مخالف‌اند. قاضی اسکالیا علّت مخالفت خود با هدف‌گرایی و روح‌گرایی^{۷۳} را این‌گونه بیان می‌کند: «هیچ کس تا کنون اصول و ضوابطی را برای این روح قانون که می‌تواند بر عبارات قانون غلبه کند، ارائه نکرده است. این مفهوم [روح قانون]، در عمل، یک قدرت قضایی نامشخص و در نتیجه نامحدود برای نادیده گرفتن آنچه قانون می‌گوید، است».^{۷۴} البته مخالفت با هدف‌گرایی مختص نص‌گرایان نیست و پیشینه تاریخی دارد. بکاریا، فیلسوف حقوق قرن ۱۸ میلادی عمیقاً باور داشت: «هیچ چیز خطرناک‌تر از در نظر گرفتن روح قوانین نیست. پذیرش آن به معنای راه‌دادن به سیل نظریات شخصی به حقوق است».^{۷۵}

در مقابل، هدف‌گرایان آمریکایی -همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست- با هدف‌گرایی در تفسیر بسیار موافق‌اند.^{۷۶} به صورت کلی، هدف‌گرایان از الفاظ به‌کاررفته در متن قانون عبور کرده و تمرکزشان را روی هدف نهایی^{۷۷} و هدف‌های کلی^{۷۸} آن می‌نهند.^{۷۹} آن‌ها عمیقاً باور دارند که قوانین باید «به گونه‌ای تفسیر شوند که اهداف مد نظر نویسندگان قانون تحصیل گردد»^{۸۰} و لذا «اصالت باید به روح استنباط شده از

⁷¹ Purpose of Law

⁷² Spirit of Law

⁷³ Spiritualism

⁷⁴ Scalia and Garner, *Reading Law*, 289.

⁷⁵ Beccaria, *An Essay on Crimes and Punishments*, 25.

⁷⁶ See Manning and Stephenson, *Legislation and Regulation, Cases and Materials*, 22; Barak, *Purposive Interpretation in Law*.

⁷⁷ overall purpose

⁷⁸ general aims

⁷⁹ Cross, *The Theory and Practice of Statutory Interpretation*, 60.

⁸⁰ Garner et al., *Law of Judicial Precedent*, 803.

یک قانون داده شود، هر چند به قیمت صرف نظر کردن از متن قانون».^{۸۱} در این رابطه، قاضی چشین بیان می‌دارد: «قانون به خودی خود هدف نیست. ابزاری برای دستیابی به اهداف و مقاصد است: مانند کشف حقیقت، اجرای عدالت، دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی. «انجام قانون» به معنای «اجرای عدالت با ابزار قانون» است».^{۸۲} قاضی ویلیام بلک‌استون، قاضی شهیر انگلیسی در قرن ۱۸ میلادی، در اهمیت روح قانون در تفسیر حقوقی می‌نویسد: «جهان‌شمول‌ترین و مؤثرترین راه برای کشف معنای واقعی یک قانون در صورت مشکوک بودن کلمات، توجه به دلیل و روح آن است».^{۸۳} نمونه‌ای از گرایش هدف‌گرایی به تفسیر قانون را می‌توان در پرونده جنجالی کلیسای ترینیتی مشاهده کرد:

قضیه از این قرار است کلیسای ترینیتی به کشیشی انگلیسی‌تبار و جوهی دریافت پرداخت می‌کند تا او را به آمریکا فرستاده و در آنجا مدیریت کلیسایی را عهده‌دار شود. ایالات متحده همچون خروس بی‌محل از راه رسیده و مدعی می‌شود که این عمل نقض قانون فدرالی است که مقرر می‌دارد: «هیچ شخصی نباید برای جابه‌جایی یا مهاجرت فرد یا افراد بیگانه به ایالات متحده که قصد هر نوع کار یا خدمت در آنجا را دارند مبلغی پرداخت نموده یا به این مهاجرت کمک یا تشویقی نماید».^{۸۴} معنای این قانون کاملاً روشن است و چندان ابهامی نسبت به آن وجود ندارد. از عموم مذکور برخی اصناف همانند بازیگران حرفه‌ای، خوانندگان، سخنرانان و هنرمندان استثنا شده‌اند؛ اما بدون شک «کشیش‌ها» در فهرست استثناها نیستند. حال ایالات متحده از کلیسای ترینیتی شکایت کرده که او با پرداخت کمک مالی به کشیش انگلیسی‌تبار در واقع این قانون را نقض کرده است. اما دیوان عالی آمریکا با ارائه تفسیری هدف‌گرا از قانون مذکور، کلیسای ترینیتی را تبرئه نمود. در رأی دادگاه آمده است: هر چند در ظاهر عبارات قانون صرفاً چند صنف خاص استثنا شده‌اند؛ اما اصناف مذکور خصوصیت نداشته و هدف

⁸¹ Gorsuch, *A Republic, If You Can Keep It*, 137.

⁸² See Barak, *Purposive Interpretation in Law*, 221.

⁸³ Blackstone, *Commentaries on the Laws of England*, 69.

⁸⁴ The Act of February 26, 1880, "to prohibit the importation and migration of foreigners and aliens under contract or agreement to perform labor in the United States, its Territories, and the District of Columbia," 23 Stat. 332, c. 164, does not apply to a contract between an alien, residing out of the United States, and a religious society incorporated under the laws of a state, whereby he engages to remove to the United States and to enter into the service of the society as its rector or minister.

اصلی از چنین استثنائی این بوده است که «شاغلین فکری»^{۸۵} از جمله کشیش‌ها بتوانند از سراسر دنیا وارد ایالات متحده شوند. این هدفی که قضات دیوان عالی به آن استناد می‌کنند در هیچ قانونی مورد تصریح قرار نگرفته؛ با این وجود، قانون در پرتوی آن تفسیر شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در این پرونده آنچه همه‌کاره است «هدف قانون» است و نه ظاهر عبارات قانون. برخی طرف‌داران هدف-گرایی با کنایه به نص‌گرایان، اعلام می‌دارند: «این هدف است که باید در تفسیر قوانین مربوطه راهنما باشد نه لغت‌نامه آکسفورد».^{۸۶}

۵. پیامدهای تفسیر

برخی نظریات تفسیری صرفاً بر روش تفسیری تمرکز می‌کنند و برخی دیگر به پیامدهای تفسیر نیز اهمیت می‌دهند. در این بخش به جایگاه پیامدهای تفسیر در سنت فقه امامیه و حقوق آمریکا خواهیم پرداخت:

۱/۵. پیامدهای تفسیر در سنت فقه امامیه

جریان غالب فقیهان امامیه خود را وفادار به معنای ظاهری آیات قرآن کریم دانسته و اهمیتی به پیامد-های تفسیر نمی‌دهد. فقیه صرفاً وظیفه دارد تا بر اساس معنای ظاهری آیات و روایات، به کشف قصد و نیت شارع بپردازد؛ اما اینکه پیامدهای قصد شارع چه خواهد بود، به او ارتباطی ندارد.^{۸۷} یعنی برای او اهمیتی ندارد که نتیجه استنباط او موافق با تمایلات مردم بوده یا کاملاً برای آن‌ها ناخوشایند است؛ حتی برای او اخلاقی بودن یا موافقت با عدالت نیز چندان ارزشی ندارد. اگر روش علمی در استنباط به درستی طی شده است، نتیجه هرچه بادا باد. البته اگر ظاهر آیه و روایتی با حکم قطعی عقل مخالف باشد، از

⁸⁵ Brain toilers

⁸⁶ *Confirmation Hearing on the Nomination of Hon. Neil M. Gorsuch to be an Associate Justice of the Supreme Court of the United States: Hearing Before the S. Comm. on the Judiciary*, 115th Cong. 442 (Mar. 23, 2017) (“those purposes should guide the interpretation of those laws, not the Oxford English Dictionary.”).

⁸⁷ در اصطلاح گفته می‌شود که فقیه صرفاً اخبار از قصد و نیت شارع می‌دهد. او همچون حکایت‌گری است که با استفاده از روش‌های استنباط سعی می‌کند تا قصد شارع را شناسایی کند. فاضل، *تفصیل الشریعه، القضاء و الشهادت*، ۱۲.

لحاظ نظری فقیهان باور دارند که آن ظاهر باید کنار گذاشته شود یا حداقل تأویل گردد؛^{۸۸} اما در عمل «حکم عقل» به گونه‌ای تعریف می‌شود که به ندرت چنین اتفاقی می‌افتد.

۲/۵. پیامدهای تفسیر در حقوق آمریکا

در میان حقوق‌دانان آمریکایی، نص‌گرایان در ادبیاتی نسبتاً مشابه با فقیهان امامیه، صرفاً خود را وفادار به معنای ظاهری عبارات قانون دانسته و اهمیتی به پیامدهای تفسیر نمی‌دهند. بر این اساس، قاضی نص‌گرا وظیفه دارد تا بر اساس قانونی که نمایندگان مردم تصویب کرده‌اند رأی دهد و خوب یا بد بودن قانون به او ارتباطی ندارد.^{۸۹} در منظر نص‌گرایان تفسیر قانون بیشتر شبیه به چیزی مانند حل معادلات ریاضی و فیزیک است. حل یک معادل ریاضی هرگز جنبه شخصی ندارد. احساسات شما یا کسی که از شما خواسته است تا معادله را برای او حل کنید هرگز بر نتیجه‌گیری شما تأثیری نخواهد گذاشت. در تفسیر نیز شما صرفاً باید با داده‌هایی که در اختیار دارید، معنای قانون را بفهمید و هرگز نباید علایق و باورهای شخصی خود را در حل معادله تفسیر دخالت دهید. این که یک تفسیر موجب برانگیختن خشم اجتماعی یا ناکارآمدی اقتصادی شود، تا زمانی که قواعد حل معادله به درستی رعایت شده باشد، به شما ارتباطی ندارد. نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توانید در پرونده ذیل ملاحظه کنید:

قانون ایالت لوئیزیانا در ایالات متحده آمریکا مقرر می‌دارد: «هر نوع اغوا، کمک و یا اجازه دادن عاقدانه به کودکان برای ارتکاب عمل جنسی با افراد بالای ۱۷ سال جرم است». در ماده دیگر این قانون، «کودکان» به افرادی زیر ۱۷ سال تعریف شده است. در پرونده دولت علیه ارنست گنزال، گنزال به رابطه جنسی غیرقانونی با دختری که ۱۶ سال سن داشت و تا کنون دو بار ازدواج کرده بود، محکوم شد.^{۹۰} قضات پرونده با این پرسش مواجه بودند که آیا گنزال حقیقتاً مجرم است؟ چنین سؤالی از این باب برای دادگاه پیش آمده که هرچند مطابق با متن قانون، رابطه جنسی با شخص ۱۶ ساله جرم‌انگاری شده است؛ ولی کاملاً محتمل است که قانون‌گذار شخصی که تا کنون دو بار ازدواج کرده، صاحب چند فرزند است و احتمالاً بلوغ جسمی و ذهنی شخص ۳۰ ساله را دارد، «کودک» شناسایی نکند. آیا رابطه جنسی با چنین

^{۸۸} انصاری، *فرائد الأصول*، ۵۷/۱: «و الذي يقتضيه النظر وفاقاً لأكثر أهل النظر أنه كلما حصل القطع من دليل عقلي فلا يجوز أن يعارضه دليل نقلي و إن وجد ما ظاهره المعارضة فلا بد من تأويله إن لم يمكن طرحه».

^{۸۹} See Manning, "Justice Scalia and the Idea of Judicial Restraint," 754-55.

^{۹۰} *State v. Gonzales*, 129 So. 2d 796, 241 La. 619 (La. 1961).

شخصی نیز نظیر رابط با سایر ۱۶ ساله‌ها است؟! پاسخ قضات نص‌گرا بدون هیچ تأملی، مثبت است. چرا که گنزال مرتکب رابطه جنسی با شخص زیر ۱۷ سال شده و ارتباط جنسی با چنین شخصی طبق متن قانون ایالت لوئیزیانا جرم است. اگر قانون‌گذار چنین شخصی را مجرم نمی‌دانست و ملاحظه دیگری داشت، همانا باید آن را به صورت تبصره و استثنا بیان می‌نمود. قابل توجه است که قصدگرایان و هدف-گرایان - همان طور که خواهد آمد- قصد اولیه یا اهداف کلی قانون‌گذار را مد نظر قرار می‌دهند و بر اساس آن‌ها احتمالاً گنزال را مجرم نمی‌دانند.

در مقابل، قضات عمل‌گرا به واقعیت‌ها بیشتر توجه می‌کنند تا به قواعد و حقوق.^{۹۱} به جای تکیه بر قواعد حقوقی، عمل‌گرایان بر نتایج^{۹۲}، پیامدهای تصمیم‌گیری‌های حقوقی^{۹۳} و آثار اجتماعی اجرای قانون تمرکز دارند. این تمرکز بر آثار و پیامدها برخی همچون قاضی اسکالیا را واداشته تا به نظریه عملگرایی عنوان «پیامدگرایی»^{۹۴} را اطلاق کنند.^{۹۵} عمل‌گرایان در تفسیر عبارات یک قانون چندان علاقه‌ای به در نظر گرفتن قواعد تفسیری نداشته و تمام تلاش خود را مبذول می‌دارند تا تفسیری را برگزینند که به قول آن‌ها «بهترین نتیجه»^{۹۶} را بدهد.^{۹۷} در این رویکرد، در نظر گرفتن پیامدهای تفسیر امری ضروری قلمداد می‌شود. رهبر برجسته نظریه عملگرایی در تفسیر قوانین و اصلی‌ترین نظریه‌پرداز آن‌ها، قاضی ریچارد ای پاسنر^{۹۸} است. او در یکی از سخنرانی‌هایش، پس از اینکه روش تفسیری‌اش را غیر مرسوم^{۹۹} توصیف کرد،^{۱۰۰} به تشریح آن پرداخته و این‌گونه بیان داشت:

⁹¹ Posner, "Pragmatic Adjudication," 5-8.

⁹² Posner, "What Has Pragmatism to Offer Law?," 1664; Luban, "What's Pragmatic about Legal Pragmatism?," 275-303.

⁹³ Posner, "The Rise and Fall of Judicial Self-Restraint," 539.

⁹⁴ Consequentialism.

⁹⁵ Scalia and Garner, *Reading Law*, 22.

⁹⁶ best resolution of disputes

⁹⁷ Greenberg, "Legal Interpretation"; Gorsuch, *A Republic, If You Can Keep It*, 137.

⁹⁸ Judge Richard A. Posner.

⁹⁹ "unorthodox"

¹⁰⁰ See Pepperdine University, *Pepperdine Law Review Symposium: Hon. Richard A. Posner*, Youtube (Apr. 8, 2017), at 0:56:02 (last visited Sept. 28, 2020).

«من خیلی علاقه‌ای به دکترین‌های حقوقی ندارم...^{۱۰۱} مواجهه من با یک پرونده به این صورت است که پیش از هر چیز از خود می‌پرسم نتیجه معقول در این پرونده چیست؟ قانون را فراموش کن. نتیجه معقول برای حل این پرونده با توجه به ارزش‌های فردی شخص خودم چیست، یا با توجه به ارزش‌هایی که گمان می‌شود مقبولیت عام در جامعه دارند،^{۱۰۲} و زمانی که نتیجه معقول را می‌یابم از خود می‌پرسم آیا چیزی مانع از رسیدن به این نتیجه هست؟ آیا دادگاه عالی در این مورد رأی داشته، یا دادگاه خودم [منظور دادگاه استیناف دایره هفتم قضایی است] تصمیمی در این مورد داشته، یا آیا یک قانون بسیار شفاف یا تبصره‌ای از قانون اساسی که هنوز نافذ است در این مورد هست؟ اگر با مانع مواجه شوم که با مانع مواجه شده‌ام و از آن تفسیر خودداری می‌کنم.^{۱۰۳} ولی به هر حال از نص قوانین و امور بی‌معنایی مانند دکترین‌های حقوقی و قواعد تفسیری کارم را شروع نمی‌کنم.^{۱۰۴} من هیچگاه تا به حال به یک قاعده تفسیری تمسک نکرده‌ام. به نظر من این قواعد هیچ ارزشی ندارند...^{۱۰۵} ولی بسیاری از قضات برجسته هستند که بسیار به این قواعد تفسیری عنایت دارند. این قضات توجه می‌کنند که عبارات قانون چه می‌گوید. اما این گرایش منجر به نص‌گرایی می‌شود که باب میل من نیست».^{۱۰۶}

¹⁰¹ *Id.* at 0:56:05. "I am not actually very interested in legal doctrines."

¹⁰² *Id.* at 0:56:09.

¹⁰³ *Id.* at 0:56:43.

¹⁰⁴ *Id.* at 0:57:04.

¹⁰⁵ *Id.* at 0:57:38.

¹⁰⁶ *Id.* at 0:57:52. Judge Posner emphasized some of the same points he made above in an interview with the *N.Y. Times* shortly after his retirement. See Adam Liptak, *An Exit Interview with Richard Posner, Judicial Provocateur*, N.Y. TIMES (Sept. 11, 2017) ("I pay very little attention to legal rules, statutes, constitutional provisions. . . . The first thing you do is ask yourself—forget about the law—what is the sensible resolution of this dispute?").

نتیجه‌گیری

مقاله را با این پرسش آغاز کردم که آیا می‌توان مشابهت‌هایی را میان سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا یافت؟ بدون شک، میان باورها، فرهنگ و ساخت اجتماعی این دو نظام حقوقی تفاوت‌های جدی وجود دارد و شاید چنین مقایسه‌ای در بدو نظر درست به نظر نرسد. اما در مقاله نشان دادم علی‌رغم این اختلاف‌ها، هر دو نظام در اصول و کلیات تفسیر، تابع روش تفسیری نسبتاً مشابهی هستند. شاید به همین دلیل است که برخی پژوهشگران تطبیقی میان حقوق اسلام و غرب گفته‌اند: «تقابل امری حقوق اسلام و غرب نه از اختلافات اساسی، بلکه از عزم طولانی و عمدی برای انکار مشابهت‌ها ناشی می‌شود».¹⁰⁷ نگارنده شما در این مقاله مشابهت‌ها را ذیل چهار محور شناسایی کرد: (۱) تأکید بر معنای ظاهری؛ (۲) فهم اصالت‌گرایانه؛ (۳) عدم اعتبار روح قانون و اهداف غیرمصرح و (۴) در نظر نگرفتن پیامدهای تفسیر. اما مشابهت‌ها به این چهار محور محدود نمی‌شود. مقاله حاضر، به عنوان پژوهشی پیش‌قدم، صرفاً تلاش کرد تا بخشی از ظرفیت مطالعات تطبیقی میان دانش اصول فقه و نظام حقوقی آمریکا را نشان دهد. از دیگر موضوعاتی که ظرفیت نسبتاً خوبی برای مطالعات تطبیقی دارد، مسئله قواعد تفسیری است که در ادبیات حقوق آمریکا از آن با عناوین «canon of interpretation» یا «canons of construction» یاد می‌شود. مشابهت‌ها در قواعد تفسیری و جزئیات مباحث گاهی به قدری زیاد است که برخی فقیهان معاصر به حقوق‌دانان آمریکایی نسبت سرقت علمی داده‌اند که البته از اساس نسبتی بی‌روا و غلط است. به علاقه‌مندان و پژوهشگران بعدی پژوهش تطبیقی میان مباحث الفاظ اصول فقه و کتاب «Reading Law» نوشته قاضی اسکالیا و گارنر را توصیه می‌کنم.

¹⁰⁷ Bulliet, *The Case for Islamo-Christian Civilization*, vii.

منابع

فارسی و عربی

۱. آملی، میرز هاشم. *المعالم الماثورة*. قم: بی نا. ۱۴۱۳ق.
۲. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین معالم الدین و ملاذ المجتهدین. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ نهم، بی تا.
۳. استرآبادی، محمد امین. *الفوائد المدنية و بديله الشواهد المكية*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۲۶ق.
۴. اصفهانی، محمد حسین. *الفصول الغروية فی الأصول الفقهية*. قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین. *فرانده الأصول*. قم: مجمع فکر الإسلامی. چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین. *مطارح الأنظار*. مقرر: ابوالقاسم کلانتری. قم: مجمع فکر الإسلامی. چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. بهبهانی، محمد باقر. *حاشیة مجمع الفائدة و البرهان*. قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحید البهبهانی. چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۸. پورمحمدی، رضا و حسین سیمایی صراف. «جایگاه تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی»، *مجله حقوقی دادگستری*. دوره ۸۷، ش ۱۲۳، پاییز ۱۴۰۲، ۴۵ تا ۶۷.
۹. پورمحمدی، رضا و رحیم نوبهار. «استناد به عموماًت در حل مسائل نوپدید؛ مطالعه تطبیقی فقه امامیه و حقوق آمریکا»، *پژوهش های تطبیقی حقوق اسلام و غرب*. دوره ۹، ش ۳۳، پاییز ۱۴۰۱، ۶۵ تا ۹۴.
۱۰. پورمحمدی، رضا. «اصول حاکم بر پژوهش های تطبیقی در حقوق»، *حقوق تطبیقی*، دوره ۱۳، ش ۵۴، پاییز ۱۴۰۲، ۷۱ تا ۹۷.
۱۱. پورمحمدی، رضا. *درآمدی بر تفسیر حقوقی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول، ۱۴۰۲.
۱۲. پورمحمدی، رضا و حسین سیمایی صراف. «ضوابط استناد به تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی»، *مطالعات حقوق عمومی*. دوره ۵۳، ش ۳، تابستان ۱۴۰۲، ۳۰ تا ۴۹.
۱۳. تقوی اشتهاردی، حسین. *تنقیح الأصول*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن. *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث. چاپ ۳، ۱۴۰۹ق.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن. *الفصول المهمة فی أصول الأئمة علیهم السلام*. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع). ۱۴۱۸ق.
۱۶. حرعاملی، محمد بن حسن. *الفوائد الطوسية*. قم: چاپخانه علمیه. ۱۴۰۳ق.
۱۷. حسینی عاملی، محمد جواد. *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۸. حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی. *العناوین الفقهية*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.

١٩. حلى، جعفر بن حسن. معارج الأصول. لندن: مؤسسه امام على (ع). چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٢٠. حلى، حسن بن يوسف. نهاية الوصول إلى علم الأصول. قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع). چاپ اول، ١٤٢٥ق.
٢١. خراسانى، محمد كاظم. كفاية الأصول. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث. چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٢٢. خمينى، سيد روح الله. المكاسب المحرمة. قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ره). چاپ اول، ١٣٧٣.
٢٣. خمينى، سيد روح الله. تهذيب الأصول. مقرر: جعفر سبحانى. تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ره). چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٢٤. خمينى، سيد روح الله. آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (س). چاپ هفتم، ١٣٧٨.
٢٥. خويى، سيد ابوالقاسم. مصباح الأصول. مقرر: محمد سرور واعظ الحسينى بهسودى. قم: مؤسسه احياء آثار الامام الخونى. چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٢٦. خونى، سيد ابوالقاسم. البيان فى تفسير القرآن. قم: مؤسسه احياء آثار الامام الخونى. چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٢٧. خونى، سيد ابوالقاسم. موسوعة الامام الخونى. قم: مؤسسه احياء آثار الامام الخونى. ١٤١٨ق.
٢٨. زحيلي، وهبه. التفسير الوسيط. دمشق: دارالفكر. ١٤٢٢ق.
٢٩. سبحانى، جعفر. اصول الفقه المقارن فيما لا نص فيه. قم: مؤسسه امام صادق (ع). ١٣٨٣ق.
٣٠. سبزوارى، محمد باقر. كفاية الفقه. قم: مؤسسه النشر الإسلامى. چاپ اول، ١٣٨١.
٣١. شهيد اول، زين الدين بن على. تمهيد القواعد. قم: مؤسسه بوستان كتاب. چاپ اول، ١٤١٦ق.
٣٢. شهيد ثانى، زين الدين بن على. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه. چاپ اول، ١٤١٣ق.
٣٣. صدر، بحوث فى علم الأصول. مقرر: حسن عبدالساتر. بيروت: الدار الإسلاميه. چاپ اول، ١٤١٧ق.
٣٤. صدر، سيد محمد باقر. اقتصادنا. قم: دفتر تبليغات اسلامى، ١٤١٧ق.
٣٥. صدر، سيد محمد باقر. بحوث فى علم الأصول. مقرر: سيد محمد هاشمى شاهرودى. قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامى. چاپ اول، ١٤١٧ق.
٣٦. صدر، سيد موسى. اصول وقواعد استنباط ائمه از قرآن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى. چاپ اول، ١٤٠١.
٣٧. طباطبائى كربلايى، على. رياض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث. چاپ اول، ١٤١٨ق.
٣٨. عراقى، ضياء الدين آملى. تقريرات الأصول. مقرر: ميرزاهاشم آملى. تهران: مؤسسه انتشارات فراهانى. چاپ اول، ١٤٠٥ق.

۳۹. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. *التنقيح الرائع لمختصر الشرائع*. قم: مكتبة المرعشي النجفي. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۴۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. *تفصیل الشریعة (القضاء و الشهادات)*. قم: مرکز فقهی انمه اطهار (ع). چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۴۱. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. *مدخل التفسیر*. تهران: مطبعة الحیدری. ۱۳۹۶ق.
۴۲. قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. *التوانین المحكمة فی الأصول*. قم: احیاء الکتب الاسلامیة. چاپ ۱، ۱۴۳۰ق.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیة. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۴. کرباسی، محمد ابراهیم. *إشارات الأصول*. بی جا: بی نا. چاپ ۱، بی تا.
۴۵. مجلسی، محمد باقر. *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ص)*. تهران: دارالکتب الإسلامیة. چاپ ۲، ۱۴۰۴ق.
۴۶. محقق داماد، سید مصطفی، سید مصطفی حسینی نسب و رضا پور محمدی. *اصول فقه تحلیلی؛ تفسیر فقهی*. قم: بوستان کتاب. چاپ اول، ۱۴۰۱.
۴۷. مدرسی یزدی، عباس. *نماذج الأصول فی شرح مقالات الأصول*. قم: مكتبة الداوری. چاپ ۱، ۱۳۸۳.
۴۸. مظفر، محمد رضا. *أصول الفقه*. قم: اسماعیلیان. چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
۴۹. معرفت، محمد هادی. *التمهید فی علوم القرآن*. قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید. چاپ سوم، ۱۳۹۶.
۵۰. مغنیه، محمد جواد. *فقه الامام الصادق (ع)*. قم: موسسه انصاریان. چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر. *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیة. چاپ ۱۰، ۱۳۷۱.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر. *أنوار الأصول*. مقرر: احمد قدسی. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب (ع). چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۵۳. نجفی، محمد حسن. *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۵۴. نراقی، احمد. *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*. قم: موسسة آل البيت لإحیاء التراث. چاپ ۱، ۱۴۱۵ق.

(ب) انگلیسی

55. Aleinikoff, T. "Updating Statutory Interpretation." *Michigan Law Review* 87, no. 1 (October 1, 1988): 20-66.
56. Barak, Aharon. *Purposive Interpretation in Law*. Translated by Sari Bashi. Princeton: Princeton University Press, 2005.
57. Barber, Charles Laurence. *Linguistic Change in Present-Day English*. University of Alabama Press, 1964.

58. Beccaria, Cesare marchese di. *An Essay on Crimes and Punishments: Translated from the Italian; with a Commentary, Attributed to M. de Voltaire, Translated from the French*. Bell & Murray, 1778.
59. Blackstone, William. *Commentaries on the Laws of England: In Four Books*. Printed at the Clarendon Press, 1770.
60. Bobbitt, Philip. *Constitutional Fate: Theory of the Constitution*. Oxford University Press, 1982.
61. Brest, Paul. "The Misconceived Quest for the Original Understanding." *Boston University Law Review* 60 (1980): 204.
62. Bulliet, Richard W. *The Case for Islamo-Christian Civilization*. Columbia University Press, 2006.
63. Cabot, Richard C. *The Meaning of Right and Wrong by Cabot, Richard C.* Macmillan, 1934.
64. Cooley, Thomas M. *A Treatise on the Constitutional Limitations Which Rest upon the Legislative Power of the States of the American Union*. 5th edition. Union, N.J: The Lawbook Exchange, Ltd., 1998.
65. Cross, Frank B. *The Theory and Practice of Statutory Interpretation*. Stanford, Calif: Stanford Law Books, 2008.
66. Dickerson, Reed. "Statutes and Constitutions in an Age of Common Law." *48 University of Pittsburgh Law Review* 773 (1987), January 1, 1987. <https://www.repository.law.indiana.edu/facpub/1535>.
67. Easterbrook, Frank. "The Role of Original Intent in Statutory Construction." *Harvard Journal of Law and Public Policy* 11 (January 1, 1988): 59.
68. Farnsworth, Ward. "Women Under Reconstruction: The Congressional Understanding." SSRN Scholarly Paper. Rochester, NY: Social Science Research Network, December 4, 2000. <https://doi.org/10.2139/ssrn.252495>.
69. Fruchtman, Jack. *American Constitutional History: A Brief Introduction*. 1st edition. Chichester Malden, MA Oxford: Wiley-Blackwell, 2016.
70. Fuller, Lon L. *American Legal Realism*. Lancaster Press, 1936.

71. Garner, Bryan A., Carlos Bea, Rebecca White Berch, Neil M. Gorsuch, Harris L. Hartz, Nathan L. Hecht, Brett M. Kavanaugh, et al. *Law of Judicial Precedent*. St. Paul, MN: Thomson West, 2016.
72. Gorsuch, Honorable Neil. "Of Lions and Bears, Judges and Legislators, and the Legacy of Justice Scalia." *Case Western Reserve Law Review* 66, no. 4 (January 1, 2016): 905.
73. Gorsuch, Neil. *A Republic, If You Can Keep It*. NO-VALUE edition. New York: Forum Books, 2019.
74. Greenberg, Mark. "Legal Interpretation." In *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, edited by Edward N. Zalta, Fall 2021. Metaphysics Research Lab, Stanford University, 2021. <https://plato.stanford.edu/archives/fall2021/entries/legal-interpretation/>.
75. Greenough, J. B., and George Lyman Kittredge. *Words and Their Ways in English Speech*, 1901.
76. Holmes, Oliver Wendell. "The Theory of Legal Interpretation." *Harvard Law Review* 12, no. 6 (January 25, 1899): 417. <https://doi.org/10.2307/1321531>.
77. Jellum, Linda D. *Mastering Statutory Interpretation*. 58084th edition. Durham, N.C: Carolina Academic Press, 2008.
78. Kammen, Michael, ed. *The Origins of the American Constitution: A Documentary History*. Reprint edition. New York, N.Y.: Penguin Books, 1986.
79. Luban, David. "What's Pragmatic about Legal Pragmatism?" In *What's Pragmatic about Legal Pragmatism?*, 275-303. Duke University Press, 2020. <https://doi.org/10.1515/9780822382522-017>.
80. Lutz, Donald S. *The Origins of American Constitutionalism*. Baton Rouge, La u.a: LSU Press, 1988.
81. Manning, John. "Justice Scalia and the Idea of Judicial Restraint." *Michigan Law Review* 115, no. 6 (April 1, 2017): 747-82. <https://doi.org/10.36644/mlr.115.6.justice>.
82. Manning, John, and Matthew Stephenson. *Legislation and Regulation, Cases and Materials*. 3rd edition. St. Paul, MN: Foundation Press, 2017.
83. Noonan, John T. *Narrowing the Nation's Power: The Supreme Court Sides with the States*. Univ of California Press, 2002.
84. Posner, Richard. "Pragmatic Adjudication." *Cardozo Law Review* 18 (January 1, 1996): 1.

85. ———. "The Rise and Fall of Judicial Self-Restraint." *California Law Review* 100 (January 1, 2012): 519.
86. ———. "What Has Pragmatism to Offer Law?" *Southern California Law Review* 63 (January 1, 1990): 1653.
87. Posner, Richard A. *How Judges Think*. Reprint edition. Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 2008.
88. ———. *The Problems of Jurisprudence*. Harvard University Press, 1990.
89. Scalia, Antonin. *A Matter of Interpretation*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 1997.
90. Scalia, Antonin, and Bryan A. Garner. *Reading Law: The Interpretation of Legal Texts*. 1st edition. St. Paul, MN: West, 2012.
91. Slocum, Brian G. *Ordinary Meaning: A Theory of the Most Fundamental Principle of Legal Interpretation*. Chicago: The University of Chicago Press, 2015.
92. Thibaut, Anton Friedrich Justus. *An Introduction to the Study of Jurisprudence: Being a Translation of The*. Translated by Nathaniel Lindley. Kessinger Publishing, LLC, 2008.
93. Tobia, Kevin P. "Testing Ordinary Meaning." *Harvard Law Review* 134 (2020): 726-806. [https://doi.org/Tobia, Kevin, Testing Ordinary Meaning \(December 1, 2020\). Harvard Law Review, Vol. 134, 2020, Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=3266082 or http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3266082](https://doi.org/Tobia, Kevin, Testing Ordinary Meaning (December 1, 2020). Harvard Law Review, Vol. 134, 2020, Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=3266082 or http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3266082).
94. Webster, Daniel. *The Works of Daniel Webster: Speeches in Congress*. C.C. Little and J. Brown, 1851.
95. Witherspoon, Joseph P. "Administrative Discretion to Determine Statutory Meaning: The High Road." *Texas Law Review* 35 (1957 1956): 63.

Interpreting the Qur'an and the Constitution: Similarities in Imami and American Jurisprudence

Abstract

This article identifies parallels in interpretive theories within Islamic and American jurisprudence. It explains how, although they operate against very different cultures and legal institutions, jurists of both Islamic and American law have adopted a similar range of approaches to interpreting their founding texts, the Qur'an and the Constitution, respectively. This article traces these methodological threads by studying, side by side, Muslim and American advocates of: (1) plain meaning literalism, (2) historical understanding originalism, (3) reference to underlying purpose and spirit, and (4) considering the Consequences of the interpretation. Seen in this comparative context, it becomes clear that jurists of these different legal cultures often have more in common with each other than with their fellow jurists adhering to opposing methodologies within their own system. These similarities stand as a counterpoint to the stark polarities often drawn between "Islam" and the "West." This article thus fills an empty space in the comparative law literature by identifying phenomena that have been unrecognized so far, largely because the greater Muslim and American legal communities have themselves been talking past each other for so long.

Keywords: textualism, ordinary meaning, Akhund Khorasani, Scalia, intentionalism